اولین کنفرانس بین‌المللی
مطالعات تطبیقی دانش و نوآوری
در روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت، حقوق و آموزش و پرورش
با رویکرد علوم انسانی

MDOI-01-2026.0060
MNR--1-D5E5E1

یادگیری اجتماعی-هیجانی از طریق آموزش زبان انگلیسی، کلاس زبان به‌عنوان بستر رشد همدلی، همکاری و خودآگاهی

فرشته صباغ کرمانی

نیروی شاغل در آموزش و پرورش.

چکیده

کلاس زبان انگلیسی تنها فضایی برای انتقال قواعد دستوری و واژگان نیست، بلکه محیطی پویا و چندبُعدی است که در آن دانش‌آموزان ضمن یادگیری مهارت‌های زبانی، تجربه‌های اجتماعی و هیجانی ارزشمندی را می‌گذرانند. این مقاله با رویکردی نظری-تحلیلی، به بررسی نقش کلاس زبان انگلیسی در پرورش ابعاد مختلف یادگیری اجتماعی-هیجانی می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت‌های کلاسی مبتنی بر تعامل، همکاری و بازاندیشی، ظرفیت بالایی برای تقویت همدلی، خودآگاهی و مهارت‌های ارتباطی دارند. در این مقاله، مبانی نظری یادگیری اجتماعی-هیجانی تشریح شده، ارتباط میان فرایند یادگیری زبان و رشد هیجانی-اجتماعی تحلیل گردیده و راهکارهای عملی برای بهره‌گیری از کلاس زبان به‌عنوان بستر رشد جامع انسان ارائه شده است. نتیجه‌گیری نهایی این است که رویکردی جامع و همه‌جانبه در آموزش زبان، نه‌تنها کیفیت یادگیری زبانی را ارتقا می‌دهد، بلکه به شکل‌گیری انسان‌هایی همدل، خودآگاه و توانمند در روابط اجتماعی می‌انجامد.

کلمات کلیدی: یادگیری اجتماعی-هیجانی، آموزش زبان انگلیسی، همدلی، همکاری، خودآگاهی، کلاس درس، رشد عاطفی، تعامل اجتماعی

مقدمه

آموزش زبان دوم در طول دهه‌های گذشته، تمرکز اصلی خود را بر انتقال مهارت‌های زبانی چهارگانه یعنی شنیداری، گفتاری، خواندنی و نوشتاری متمرکز کرده است. با این حال، پژوهش‌های معاصر در حوزه آموزش زبان نشان داده‌اند که یادگیری زبان فرایندی صرفاً شناختی نیست، بلکه ریشه‌های عمیقی در ابعاد عاطفی، اجتماعی و روان‌شناختی انسان دارد. زبان نه‌تنها ابزاری برای ارتباط، بلکه آینه‌ای است که از طریق آن، هویت، احساسات و روابط اجتماعی فرد شکل می‌گیرد و بازتاب می‌یابد.از سوی دیگر، مفهوم یادگیری اجتماعی-هیجانی در سال‌های اخیر جایگاه برجسته‌ای در ادبیات آموزشی یافته است. این مفهوم به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌ها اشاره دارد که از طریق آن‌ها افراد می‌توانند احساسات خود و دیگران را بشناسند، مدیریت کنند و در روابط اجتماعی مؤثر باشند. ابعاد اصلی این یادگیری شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های روابط و تصمیم‌گیری مسئولانه است. این ابعاد در بستر کلاس درس، به‌ویژه کلاس زبان که ماهیتاً بر تعامل و ارتباط استوار است، فرصت‌های منحصربه‌فردی برای رشد و پرورش دارند.

کلاس زبان انگلیسی، به‌دلیل ماهیت تعاملی و ارتباطی خود، محیطی است که در آن دانش‌آموزان مجبورند نه‌تنها با زبان، بلکه با احساسات، دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های مختلف درگیر شوند. فعالیت‌هایی مانند گفتگوی دو نفره، بحث گروهی، نمایش، بازی‌های زبانی و پروژه‌های جمعی، همگی زمینه‌ساز تجربه‌های اجتماعی-هیجانی هستند. معلم زبان، در این فرایند، نقشی فراتر از انتقال‌دهنده دانش ایفا می‌کند و به‌عنوان تسهیل‌گر رشد عاطفی-اجتماعی دانش‌آموزان عمل می‌کند.

هدف این مقاله، تبیین و تحلیل نقش کلاس زبان انگلیسی در پرورش ابعاد مختلف یادگیری اجتماعی-هیجانی است. در این راستا، ابتدا مبانی نظری یادگیری اجتماعی-هیجانی تشریح شده، سپس ارتباط میان فرایند یادگیری زبان و رشد هیجانی-اجتماعی بررسی گردیده و در نهایت، راهکارهای عملی برای بهره‌گیری از کلاس زبان به‌عنوان بستر رشد جامع ارائه شده است.

مبانی نظری یادگیری اجتماعی-هیجانی

تعریف و ریشه‌های مفهومی

یادگیری اجتماعی-هیجانی به مجموعه‌ای از فرایندها، مهارت‌ها و فرصت‌های آموزشی اشاره دارد که از طریق آن‌ها افراد و جوامع می‌توانند ارزش‌های مثبت و اخلاقی را پرورش دهند، احساسات و رفتارهای سازنده را تجربه کنند، روابط معنادار و حمایتی را برقرار کنند و تصمیمات مسئولانه بگیرند. این مفهوم ریشه‌های عمیقی در نظریه‌های رشد روان‌شناختی و اجتماعی دارد.

از منظر نظری، ریشه‌های این مفهوم به اندیشه‌های روان‌شناسان و تربیت‌پژوهانی بازمی‌گردد که بر یکپارچگی ابعاد شناختی، عاطفی و اجتماعی یادگیری تأکید داشتند. این دیدگاه بر این باور است که انسان موجودی چندبُعدی است و رشد او در هر بُعد، بر سایر ابعاد تأثیرگذار است. بنابراین، آموزش صرفاً شناختی بدون توجه به ابعاد عاطفی و اجتماعی، ناکافی و ناقص خواهد بود.

ابعاد اصلی یادگیری اجتماعی-هیجانی

یادگیری اجتماعی-هیجانی شامل پنج بُعد اصلی است که به‌صورت درونی و بیرونی با یکدیگر در ارتباطند:

اول: خودآگاهی. این بُعد به توانایی فرد در شناسایی احساسات، افکار و ارزش‌های خود و درک تأثیر آن‌ها بر رفتار و عملکرد می‌پردازد. خودآگاهی شامل آگاهی از نقاط قوت و ضعف، درک هیجانات در لحظه، و شناخت نیازها و انگیزه‌های درونی است. فردی که خودآگاهی بالایی دارد، می‌تواند با دقت و صداقت درباره احساسات و افکار خود صحبت کند و دیگران را درک بهتری از او داشته باشند.

دوم: خودتنظیمی. این بُعد به توانایی فرد در مدیریت احساسات، اندیشه‌ها و رفتارهای خود در موقعیت‌های مختلف می‌پردازد. خودتنظیمی شامل کنترل تکانه‌ها، مدیریت استرس، تنظیم هیجانات منفی و حفظ تعادل عاطفی در شرایط دشوار است. فردی که مهارت خودتنظیمی دارد، می‌تواند در مواجهه با چالش‌ها و سختی‌ها، واکنش‌های منطقی و سازنده نشان دهد.

سوم: آگاهی اجتماعی. این بُعد به توانایی فرد در درک دیدگاه‌ها و احساسات دیگران، حتی در موقعیت‌های پیچیده و متفاوت، می‌پردازد. آگاهی اجتماعی شامل همدلی، احترام به تنوع، درک ساختارهای اجتماعی و شناخت منابع حمایتی است. فردی که آگاهی اجتماعی بالایی دارد، می‌تواند با افراد از فرهنگ‌ها، سنین و پس‌زمینه‌های مختلف، ارتباط مؤثری برقرار کند.

چهارم: مهارت‌های روابط. این بُعد به توانایی فرد در برقراری و حفظ روابط سالم و حمایتی با دیگران می‌پردازد. مهارت‌های روابط شامل ارتباط مؤثر، گوش دادن فعال، حل تعارض، گفتگوی سازنده و گفت‌وگوی اجتماعی است. این مهارت‌ها پایه‌های اصلی زندگی اجتماعی و حرفه‌ای انسان هستند.

پنجم: تصمیم‌گیری مسئولانه. این بُعد به توانایی فرد در گرفتن تصمیمات سازنده درباره رفتارهای شخصی و تعاملات اجتماعی، بر اساس ملاحظات اخلاقی، ایمنی دیگران، می‌پردازد. تصمیم‌گیری مسئولانه شامل ارزیابی پیامدها، مسئولیت‌پذیری و عمل بر اساس ارزش‌های اخلاقی است.

رویکردهای نظری

از منظر نظری، چندین رویکرد بر مبانی یادگیری اجتماعی-هیجانی تأثیرگذار بوده‌اند. رویکرد ساختن‌گرایی بر این باور است که یادگیری فرایندی فعال و اجتماعی است و دانش‌آموزان از طریق تعامل با محیط و دیگران، معنای می‌سازند. در این چارچوب، کلاس درس محیطی است که در آن دانش‌آموزان نه‌تنها دانش، بلکه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی را نیز می‌آموزند.

رویکرد انسان‌گرایی نیز بر اهمیت ابعاد عاطفی و انسانی یادگیری تأکید دارد. از دیدگاه این رویکرد، یادگیری زمانی مؤثر است که نیازهای عاطفی و اجتماعی یادگیرنده توجه شود. معلم در این رویکرد، نقش تسهیل‌گر و راهنما را دارد و وظیفه او ایجاد فضایی امن و حمایتی برای رشد جامع دانش‌آموز است.

رویکرد ارتباطی در آموزش زبان نیز با ابعاد یادگیری اجتماعی-هیجانی هم‌راستا است. در این رویکرد، زبان ابزاری زنده و پویا برای ارتباط و تعامل است و یادگیری زبان در بافت‌های اجتماعی و معنادار رخ می‌دهد. این رویکرد بر اهمیت تعامل واقعی، ارتباط مؤثر و مشارکت فعال دانش‌آموزان تأکید دارد.

ارتباط میان یادگیری زبان و رشد اجتماعی-هیجانی

زبان به‌عنوان آینه هیجانات

زبان و هیجان ارتباطی جدایی‌ناپذیر دارند. از یک سو، زبان ابزاری است که از طریق آن، انسان احساسات خود را بیان، درک و مدیریت می‌کند. از سوی دیگر، هیجانات بر فرایند تولید و درک زبان تأثیر می‌گذارند. پژوهش‌های روان‌زبان‌شناسی نشان داده‌اند که هیجانات نقش محوری در فرایند یادگیری زبان دارند. اضطراب، ترس، هیجان، کنجکاوی و اعتمادبه‌نفس، همگی بر توانایی فرد در یادگیری و استفاده از زبان تأثیر می‌گذارند.در کلاس زبان انگلیسی، دانش‌آموزان در موقعیت‌های جدید و گاهی استرس‌زایی قرار می‌گیرند. آن‌ها باید با زبانی غریب، احساسات، نیازها و افکار خود را بیان کنند. این فرایند، فرصت‌های ارزشمندی برای رشد هیجانی ایجاد می‌کند. دانش‌آموزی که یاد می‌گیرد احساسات خود را به زبان انگلیسی بیان کند، در واقع مهارت‌های هیجانی خود را نیز تقویت می‌کند. او یاد می‌گیرد که چگونه هیجاناتش را شناسایی، نام‌گذاری و مدیریت کند.

فیلتر عاطفی و یادگیری زبان

مفهوم فیلتر عاطفی در آموزش زبان، به این نکته اشاره دارد که عوامل عاطفی مانند اضطراب، انگیزه و اعتمادبه‌نفس، بر میزان یادگیری زبان تأثیر می‌گذارند. دانش‌آموزی که احساس امنیت و حمایت می‌کند، بیشتر درگیر فرایند یادگیری می‌شود و از اشتباه کردن نمی‌ترسد. از سوی دیگر، دانش‌آموزی که در محیطی پرتنش و انتقادی قرار دارد، فیلتر عاطفی بالایی خواهد داشت و یادگیری او مختل می‌شود.

این مفهوم نشان می‌دهد که ایجاد فضای عاطفی مناسب در کلاس زبان، نه‌تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. معلم زبان باید محیطی ایجاد کند که در آن، دانش‌آموزان احساس امنیت کنند، از اشتباه کردن نترسند

و بتوانند با اطمینان، زبان را تمرین کنند. این فضای عاطفی، خود بستر رشد اجتماعی-هیجانی است.

زبان و هویت

یادگیری زبان دوم، فرایندی است که در آن، هویت فرد در حال بازسازی و گسترش است. دانش‌آموزی که زبان انگلیسی را می‌آموزد، در واقع در حال کشف هویتی جدید و گسترده‌تر است. او یاد می‌گیرد که از طریق زبان، با فرهنگ‌ها، دیدگاه‌ها و ارزش‌های مختلف آشنا شود و هویت خود را در تعامل با دیگران شکل دهد.

این فرایند هویت‌یابی، ذاتاً یک فرایند اجتماعی-هیجانی است. دانش‌آموز در این مسیر، با سؤالاتی درباره خود، ارزش‌های خود و جایگاه خود در جهان مواجه می‌شود. کلاس زبان، محیطی است که در آن، این سؤالات مطرح می‌شوند و از طریق تعامل با معلم و همکلاسی‌ها، پاسخ‌هایی به آن‌ها داده می‌شود.

همدلی در کلاس زبان انگلیسی

تعریف و اهمیت همدلی

همدلی توانایی درک و به اشتراک‌گذاری احساسات دیگران است. این مهارت، یکی از ارکان اصلی روابط انسانی و زندگی اجتماعی است. همدلی شامل دو بُعد شناختی و عاطفی است. بُعد شناختی همدلی، به توانایی فرد در درک دیدگاه و احساسات دیگران از دیدگاه آن‌ها می‌پردازد. بُعد عاطفی همدلی، به توانایی فرد در تجربه احساساتی در پاسخ به احساسات دیگران اشاره دارد.

در کلاس زبان انگلیسی، همدلی نقش چندگانه‌ای ایفا می‌کند. از یک سو، همدلی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با همکلاسی‌های خود بهتر ارتباط برقرار کنند و از اشتباهات و دشواری‌های زبانی یکدیگر حمایت کنند. از سوی دیگر، همدلی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با متون، داستان‌ها و رسانه‌های انگلیسی‌زبان، ارتباط عمیق‌تری برقرار کنند و شخصیت‌ها و موقعیت‌های مختلف را از دیدگاه آن‌ها درک کنند.

راهکارهای پرورش همدلی در کلاس زبان

اول: استفاده از داستان و ادبیات. داستان‌ها و متون ادبی انگلیسی، ابزارهای قدرتمندی برای پرورش همدلی هستند. وقتی دانش‌آموزان داستان‌هایی با شخصیت‌های متنوع و با پس‌زمینه‌های مختلف می‌خوانند، در واقع در حال تمرین درک دیدگاه‌های متفاوت هستند. معلم می‌تواند با طرح سؤالاتی مانند «اگر شما جای این شخصیت بودید، چه احساسی داشتید؟» یا «چرا این شخصیت این تصمیم را گرفت؟»، دانش‌آموزان را به تفکر همدلانه تشویق کند.

دوم: فعالیت‌های نقش‌آفرینی. نقش‌آفرینی یکی از مؤثرترین روش‌های پرورش همدلی در کلاس زبان است. وقتی دانش‌آموزان در نقش شخصیت‌های مختلف قرار می‌گیرند، در واقع از دیدگاه آن‌ها فکر و احساس می‌کنند. این فرایند، توانایی درک دیدگاه‌های متفاوت را تقویت می‌کند. معلم می‌تواند موقعیت‌های مختلف اجتماعی را طراحی کند و از دانش‌آموزان بخواهد از دیدگاه‌های مختلف به آن‌ها واکنش نشان دهند.

سوم: گفتگوهای همدلانه. معلم می‌تواند در کلاس، گفتگوهایی را طراحی کند که در آن‌ها، دانش‌آموزان باید از دیدگاه یکدیگر صحبت کنند. مثلاً، می‌توان از دانش‌آموزان بخواهد که مشکل یا چالش یک همکلاسی را از دیدگاه او بیان کنند. این فعالیت، نه‌تنها مهارت‌های زبانی، بلکه مهارت‌های همدلانه را نیز تقویت می‌کند.

چهارم: استفاده از رسانه‌های بصری. فیلم‌ها، مستندها و ویدئوهای انگلیسی‌زبان، ابزارهای ارزشمندی برای پرورش همدلی هستند. معلم می‌تواند از این رسانه‌ها برای ایجاد بحث‌های کلاسی درباره احساسات، چالش‌ها و تجربه‌های مختلف استفاده کند. این بحث‌ها، فرصت‌های ارزشمندی برای تمرین همدلی و درک دیدگاه‌های متفاوت ایجاد می‌کنند.

پنجم: بازاندیشی همدلانه. معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که پس از فعالیت‌های کلاسی، درباره احساسات خود و همکلاسی‌های خود بازاندیشی کنند. این فرایند، آگاهی از احساسات و توانایی درک احساسات دیگران را تقویت می‌کند.

همکاری در کلاس زبان انگلیسی

ماهیت تعاملی زبان

زبان، ذاتاً یک پدیده اجتماعی و تعاملی است. زبان در خلقت معنا ندارد و تنها در تعامل با دیگران، کارکرد و معنای خود را می‌یابد. بنابراین، آموزش زبان نیز ذاتاً یک فرایند اجتماعی است و باید در بافت‌های تعاملی و اجتماعی رخ دهد. کلاس زبان، محیطی است که در آن، دانش‌آموزان فرصت‌های متعددی برای تعامل و همکاری دارند.

همکاری در کلاس زبان، به معنای فعالیت‌هایی است که در آن‌ها، دانش‌آموزان به‌صورت جمعی، هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل بحث گروهی، پروژه‌های جمعی، نمایش، بازی‌های زبانی و فعالیت‌های جفتی باشند. در این فعالیت‌ها، دانش‌آموزان نه‌تنها زبان را تمرین می‌کنند، بلکه مهارت‌های همکاری، ارتباط و حل تعارض را نیز می‌آموزند.

ابعاد همکاری در کلاس زبان

اول: مسئولیت‌پذیری جمعی. در فعالیت‌های گروهی، هر دانش‌آموز مسئول بخشی از کار است و موفقیت گروه، به مشارکت همه بستگی دارد. این تجربه، حس مسئولیت‌پذیری و تعلق به گروه را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد. آن‌ها یاد می‌گیرند که موفقیت یک فرایند جمعی است و نیاز به تلاش و مشارکت همه دارد.

دوم: گفتگوی سازنده. همکاری در کلاس زبان، فرصت‌های ارزشمندی برای تمرین گفتگوی سازنده ایجاد می‌کند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه ایده‌های خود را به‌طور مؤثر بیان کنند، چگونه به ایده‌های دیگران گوش دهند، چگونه با احترام تفاوت‌های نظر را مدیریت کنند و چگونه به توافق برسند. این مهارت‌ها، پایه‌های اصلی زندگی اجتماعی و حرفه‌ای هستند.

سوم: حل تعارض. در هر گروهی، تعارضات و اختلاف‌نظرهایی پیش می‌آید. کلاس زبان، محیطی است که در آن، دانش‌آموزان فرصت می‌یابند تا مهارت‌های حل تعارض را تمرین کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه اختلافات را به‌صورت سازنده مدیریت کنند، چگونه به نیازها و دیدگاه‌های دیگران احترام بگذارند و چگونه راه‌حل‌هایی پیدا کنند که همه طرف‌ها از آن‌ها راضی باشند.

چهارم: حمایت متقابل. همکاری در کلاس زبان، فرصت‌های ارزشمندی برای حمایت متقابل ایجاد می‌کند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه از یکدیگر حمایت کنند، چگونه اشتباهات یکدیگر را با مهربانی اصلاح کنند و چگونه موفقیت‌های یکدیگر را جشن بگیرند. این تجربه، حس تعلق و امنیت را در کلاس تقویت می‌کند.

راهکارهای تقویت همکاری در کلاس زبان

اول: طراحی فعالیت‌های گروهی هدفمند. معلم باید فعالیت‌های گروهی را به‌گونه‌ای طراحی کند که در آن‌ها، مشارکت همه اعضا ضروری باشد. فعالیت‌هایی که در آن‌ها، یک یا دو نفر می‌توانند کل کار را انجام دهند، فرصت‌های همکاری واقعی ایجاد نمی‌کنند. فعالیت‌های خوب، آن‌هایی هستند که در آن‌ها، هر عضو نقش مشخص و ضروری دارد.

دوم: تعیین نقش‌های مشخص. در فعالیت‌های گروهی، تعیین نقش‌های مشخص مانند گزارشگر، یادداشت‌بردار، زمان‌سنج و هماهنگ‌کننده، به هر دانش‌آموز فرصت می‌دهد تا مهارت‌های مختلف را تمرین کند. این کار، حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت را تقویت می‌کند.

سوم: بازاندیشی گروهی. پس از هر فعالیت گروهی، معلم باید زمانی برای بازاندیشی گروهی اختصاص دهد. در این بازاندیشی، گروه‌ها درباره عملکرد خود، نقاط قوت و ضعف، و پیشنهادات بهبود بحث می‌کنند. این فرایند، آگاهی از فرایند همکاری و توانایی بهبود آن را تقویت می‌کند.

چهارم: ارزیابی همتایان. ارزیابی همتایان، فرایندی است که در آن، دانش‌آموزان یکدیگر را بر اساس معیارهای مشخص ارزیابی می‌کنند. این فرایند، نه‌تنها مهارت‌های ارزیابی و بازخوردهی را تقویت می‌کند، بلکه آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود و دیگران را نیز افزایش می‌دهد.

پنجم: ایجاد فرهنگ حمایتی. معلم باید فضایی ایجاد کند که در آن، اشتباه کردن بخشی طبیعی از فرایند یادگیری باشد. وقتی دانش‌آموزان احساس می‌کنند که در محیطی امن و حمایتی قرار دارند، بیشتر درگیر فعالیت‌های گروهی می‌شوند و از ارائه ایده‌های خود نمی‌ترسند.

خودآگاهی در کلاس زبان انگلیسی- خودآگاهی و یادگیری زبان

خودآگاهی، بُعد بنیادین یادگیری اجتماعی-هیجانی است. در کلاس زبان انگلیسی، خودآگاهی به معنای آگاهی دانش‌آموز از فرایند یادگیری خود، احساسات خود در مواجهه با زبان، نقاط قوت و ضعف زبانی خود، و تأثیر زبان بر هویت و زندگی خود است.

دانش‌آموزی که خودآگاهی بالایی دارد، می‌داند که چگونه بهتر یاد می‌گیرد، چه زمانی احساس اضطراب می‌کند، چه چیزهایی برایش انگیزه‌بخش است و چه چیزهایی برایش مانع ایجاد می‌کند. این آگاهی، به او کمک می‌کند تا راهبردهای یادگیری مؤثرتری انتخاب کند و از فرایند یادگیری، بهره‌وری بیشتری ببرد.

خودآگاهی زبانی

خودآگاهی زبانی، بُعد خاصی از خودآگاهی است که به آگاهی فرد از وضعیت زبانی خود، پیشرفت‌های خود، و چالش‌های زبانی خود می‌پردازد. این آگاهی شامل شناخت سطح فعلی زبان، درک تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان زبان مادری و زبان انگلیسی، و آگاهی از خطاهای رایج است. معلم زبان می‌تواند با استفاده از فعالیت‌های بازاندیشی، روزنامه‌نگاری زبانی، و ارزیابی خود، به دانش‌آموزان کمک کند تا خودآگاهی زبانی بالایی پیدا کنند. این فعالیت‌ها، دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند تا درباره فرایند یادگیری خود فکر کنند، پیشرفت‌های خود را شناسایی کنند و اهدافی برای بهبود تعیین کنند.

خودآگاهی هیجانی در کلاس زبان

خودآگاهی هیجانی، توانایی شناسایی و نام‌گذاری احساسات در لحظه است. در کلاس زبان، دانش‌آموزان با طیف وسیعی از احساسات مواجه می‌شوند. اضطراب قبل از صحبت کردن، هیجان هنگام موفقیت، کلافگی هنگام درک نکردن، و غرور هنگام پیشرفت، همگی احساساتی هستند که در کلاس زبان تجربه می‌شوند.

معلم می‌تواند با ایجاد فضایی امن و حمایتی، به دانش‌آموزان کمک کند تا احساسات خود را شناسایی و نام‌گذاری کنند. او می‌تواند با طرح سؤالاتی مانند «چه احساسی دارید؟» یا «چه چیزی باعث شد این احساس را داشته باشید؟»، آگاهی هیجانی دانش‌آموزان را تقویت کند. این فرایند، نه‌تنها در کلاس زبان، بلکه در زندگی روزمره نیز مفید است.

خودآگاهی فرهنگی

یادگیری زبان انگلیسی، ذاتاً یک فرایند فرهنگی است. دانش‌آموزان در این مسیر، با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و عادات مختلف آشنا می‌شوند. خودآگاهی فرهنگی، توانایی درک و ارزیابی فرهنگ خود و فرهنگ‌های دیگر است. این آگاهی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با احترام و درک، با تنوع فرهنگی مواجه شوند.

معلم می‌تواند با استفاده از متون، داستان‌ها، فیلم‌ها و بحث‌های کلاسی، خودآگاهی فرهنگی دانش‌آموزان را تقویت کند. او می‌تواند سؤالاتی مطرح کند که دانش‌آموزان را به مقایسه فرهنگ خود با فرهنگ‌های دیگر تشویق کند و آن‌ها را به تفکر انتقادی درباره ارزش‌ها و باورها برساند.

راهکارهای تقویت خودآگاهی در کلاس زبان

اول: روزنامه‌نگاری زبانی. معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که روزانه یا هفتگی، درباره فرایند یادگیری خود بنویسند. در این نوشته‌ها، آن‌ها می‌توانند درباره پیشرفت‌ها، چالش‌ها، احساسات و اهداف خود بنویسند. این فعالیت، خودآگاهی زبانی و هیجانی را تقویت می‌کند.

دوم: ارزیابی خود. معلم می‌تواند فرم‌های ارزیابی خود طراحی کند که در آن‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند عملکرد خود را در مهارت‌های مختلف زبانی ارزیابی کنند. این فرایند، آگاهی از نقاط قوت و ضعف و توانایی هدفگذاری را تقویت می‌کند.

سوم: بازاندیشی ساختاریافته. معلم می‌تواند فعالیت‌های بازاندیشی ساختاریافته طراحی کند که در آن‌ها، دانش‌آموزان درباره فرایند یادگیری، احساسات، و تجربیات خود فکر کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند به شکل نوشتاری، شفاهی یا هنری باشند.

چهارم: گفتگوهای دوتایی بازاندیشی. معلم می‌تواند زمانی برای گفتگوهای دوتایی بازاندیشی اختصاص دهد. در این گفتگوها، دانش‌آموزان با یک همکلاسی، درباره فرایند یادگیری و احساسات خود بحث می‌کنند. این فعالیت، خودآگاهی و مهارت‌های ارتباطی را هم‌زمان تقویت می‌کند.

پنجم: هدفگذاری شخصی. معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که اهداف شخصی برای یادگیری زبان تعیین کنند. این اهداف باید واقع‌بینانه،

قابل اندازه‌گیری و مرتبط با نیازها و علاقه‌مندی‌های فردی باشند. هدفگذاری شخصی، انگیزه درونی و خودآگاهی را تقویت می‌کند.

روش‌های تدریس مبتنی بر یادگیری اجتماعی-هیجانی

رویکرد ارتباطی و یادگیری اجتماعی-هیجانی

رویکرد ارتباطی در آموزش زبان، بر اهمیت تعامل واقعی و ارتباط مؤثر تأکید دارد. این رویکرد، ذاتاً با ابعاد یادگیری اجتماعی-هیجانی هم‌راستا است. در کلاسی که بر اساس رویکرد ارتباطی اداره می‌شود، دانش‌آموزان فرصت‌های متعددی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی-هیجانی دارند. آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه ارتباط برقرار کنند، چگونه گوش دهند، چگونه با احترام تفاوت‌ها را مدیریت کنند و چگونه در گروه‌های مختلف مشارکت کنند.

معلمی که از رویکرد ارتباطی استفاده می‌کند، باید آگاه باشد که فعالیت‌های ارتباطی، نه‌تنها ابزارهای یادگیری زبانی، بلکه ابزارهای رشد اجتماعی-هیجانی هستند. او باید فعالیت‌هایی را طراحی کند که در آن‌ها، ابعاد اجتماعی-هیجانی به‌طور آگاهانه و هدفمند پرورش یابند.

فعالیت‌های پروژه‌محور

فعالیت‌های پروژه‌محور، یکی از مؤثرترین روش‌های ترکیب یادگیری زبانی و اجتماعی-هیجانی هستند. در این فعالیت‌ها، دانش‌آموزان به‌صورت گروهی، یک پروژه زبانی را انجام می‌دهند. این پروژه می‌تواند شامل ساختن یک مجله، تولید یک فیلم کوتاه، طراحی یک نمایش، یا انجام یک تحقیق گروهی باشد.در فرایند انجام پروژه، دانش‌آموزان مهارت‌های متعددی را تمرین می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه برنامه‌ریزی کنند، چگونه وظایف را تقسیم کنند، چگونه با اختلاف‌نظرها مقابله کنند، چگونه به وقت پایبند باشند و چگونه نتیجه نهایی را ارائه دهند. این مهارت‌ها، همگی ابعاد مختلف یادگیری اجتماعی-هیجانی را پوشش می‌دهند.

نمایش و تئاتر

نمایش و تئاتر، ابزارهای قدرتمندی برای پرورش ابعاد مختلف یادگیری اجتماعی-هیجانی هستند. در فرایند آماده‌سازی و اجرای نمایش،

دانش‌آموزان مهارت‌های متعددی را تمرین می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه در نقش شخصیت‌های مختلف قرار بگیرند (همدلی)، چگونه با دیگران هماهنگ شوند (همکاری)، چگونه احساسات خود را کنترل کنند (خودتنظیمی) و چگونه در برابر جمع صحبت کنند (اعتمادبه‌نفس).

معلم می‌تواند نمایش‌هایی را طراحی کند که در آن‌ها، موضوعات اجتماعی-هیجانی مانند دوستی، اختلافنظر، حمایت، بخشش و درک متقابل مطرح شوند. این نمایش‌ها، نه‌تنها مهارت‌های زبانی، بلکه مهارت‌های اجتماعی-هیجانی را نیز تقویت می‌کنند.

بازی‌های زبانی

بازی‌های زبانی، ابزارهای ارزشمندی برای ایجاد فضایی شاد و تعاملی در کلاس هستند. این بازی‌ها، نه‌تنها مهارت‌های زبانی، بلکه مهارت‌های اجتماعی-هیجانی را نیز تقویت می‌کنند. در بازی‌ها، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه با دیگران رقابت کنند، چگونه با شکست مواجه شوند، چگونه از موفقیت یکدیگر شاد شوند و چگونه در چارچوب قواعد، رفتار کنند.

معلم می‌تواند بازی‌هایی را طراحی کند که در آن‌ها، ابعاد مختلف یادگیری اجتماعی-هیجانی به‌طور آگاهانه تمرین شوند. مثلاً، بازی‌هایی که در آن‌ها، دانش‌آموزان باید از دیدگاه یکدیگر فکر کنند، یا بازی‌هایی که در آن‌ها، همکاری ضروری است.

یادگیری مبتنی بر مسئله

یادگیری مبتنی بر مسئله، رویکردی است که در آن، دانش‌آموزان با مسائل واقعی و معنادار مواجه می‌شوند و از طریق فرایند حل مسئله، یاد می‌گیرند. در کلاس زبان، این رویکرد می‌تواند شامل بررسی مسائل اجتماعی، فرهنگی یا زیست‌محیطی به زبان انگلیسی باشد.در فرایند حل مسئله، دانش‌آموزان مهارت‌های متعددی را تمرین می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه مسئله را شناسایی کنند، چگونه اطلاعات جمع‌آوری کنند، چگونه با دیگران بحث کنند، چگونه راه‌حل‌های مختلف را ارزیابی کنند و چگونه تصمیم بگیرند. این مهارت‌ها، همگی ابعاد مختلف یادگیری اجتماعی-هیجانی را پوشش می‌دهند.

استفاده از فناوری

فناوری و ابزارهای دیجیتال، فرصت‌های جدیدی برای پرورش ابعاد اجتماعی-هیجانی در کلاس زبان ایجاد کرده‌اند. دانش‌آموزان می‌توانند از طریق پلتفرم‌های آنلاین، با دانش‌آموزان از مناطق و فرهنگ‌های مختلف ارتباط برقرار کنند. این تعاملات، آگاهی فرهنگی و همدلی را تقویت می‌کنند.از سوی دیگر، فناوری می‌تواند ابزارهایی برای بازاندیشی و خودآگاهی فراهم کند. مثلاً، دانش‌آموزان می‌توانند از طریق ویدئو یا صوت، فرایند یادگیری خود را ثبت کنند و سپس با خود یا با همکلاسی‌ها بازاندیشی کنند. این فرایند، خودآگاهی زبانی و هیجانی را تقویت می‌کند.

نقش معلم در پرورش یادگیری اجتماعی-هیجانی

معلم به‌عنوان الگوی اجتماعی-هیجانی

معلم زبان، الگوی اصلی دانش‌آموزان است. رفتار، واکنش‌ها و تعاملات معلم در کلاس، بر رشد اجتماعی-هیجانی دانش‌آموزان تأثیر عمیقی دارد. معلمی که با مهربانی و صبر با اشتباهات دانش‌آموزان برخورد می‌کند، در واقع مهارت‌های همدلی و حمایت را در آن‌ها پرورش می‌دهد. معلمی که با احترام و صداقت با دانش‌آموزان گفتگو می‌کند، در واقع مهارت‌های ارتباط مؤثر را در آن‌ها تقویت می‌کند.

معلم باید آگاه باشد که هر تعامل در کلاس، یک فرصت آموزشی اجتماعی-هیجانی است. وقتی معلم با یک دانش‌آموز که اشتباه کرده، با مهربانی و صبر صحبت می‌کند، در واقع دارد نشان می‌دهد که چگونه با اشتباهات دیگران برخورد کنیم. وقتی معلم با یک دانش‌آموز که احساس اضطراب می‌کند، با همدلی و حمایت صحبت می‌کند، در واقع دارد نشان می‌دهد که چگونه با احساسات دیگران همدلی کنیم.

معلم به‌عنوان تسهیلگر معلم به‌عنوان تسهیلگر

معلم زبان در رویکرد تسهیلگری، از نقش انتقال‌دهنده‌ی صرف دانش فاصله می‌گیرد و به راهنمایی می‌شود که شرایط و فرصت‌های لازم برای رشد جامع دانش‌آموز را فراهم می‌آورد. در کلاس زبان، تسهیلگری به معنای ایجاد

فضایی است که در آن، دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند یادگیری زبانی و اجتماعی-هیجانی مشارکت کنند. معلم تسهیل‌گر، به‌جای دیکته‌ی پاسخ‌های آماده، سؤالاتی طرح می‌کند که دانش‌آموزان را به تفکر عمیق‌تر، بازاندیشی و تعامل معنادار تشویق می‌کند.

تسهیل‌گری در کلاس زبان، مستلزم آن است که معلم از مرکزیت کلاس خارج شود و اجازه دهد دانش‌آموزان نقش اصلی را در فرایند یادگیری ایفا کنند. این به معنای حذف نقش معلم نیست، بلکه به معنای تغییر ماهیت آن نقش است. معلم تسهیل‌گر، طراح فعالیت‌ها، راهنمای گفتگو، بازخورددهنده‌ی سازنده و پشتیبان عاطفی دانش‌آموزان است. او فضایی ایجاد می‌کند که در آن، هر دانش‌آموز احساس ارزشمندی و تعلق می‌کند و می‌تواند بدون ترس از قضاوت، ایده‌ها، احساسات و دیدگاه‌های خود را بیان کند.

یکی از ابعاد مهم تسهیل‌گری، طراحی فعالیت‌هایی است که در آن‌ها، ابعاد زبانی و اجتماعی-هیجانی به‌طور یکپارچه و طبیعی با یکدیگر ترکیب شوند. معلم تسهیل‌گر، فعالیت‌هایی طراحی می‌کند که در آن‌ها، دانش‌آموزان برای انجام وظیفه‌ی زبانی، مجبورند با یکدیگر همکاری کنند، همدلی نشان دهند، خودآگاهی خود را افزایش دهند و مهارت‌های ارتباطی را تمرین کنند. این ترکیب یکپارچه، از تدریس مجزای مهارت‌های زبانی و اجتماعی-هیجانی برتر است و تجربه‌ی یادگیری را اصیل و معنادار می‌سازد.

معلم به‌عنوان ارزیاب رشد اجتماعی-هیجانی

ارزیابی در کلاس زبان، نباید محدود به سنجش مهارت‌های زبانی شود. معلمی که به یادگیری اجتماعی-هیجانی توجه دارد، ارزیابی را فرایندی چندبُعدی می‌داند که در آن، رشد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموز نیز در کنار رشد زبانی مورد توجه قرار می‌گیرد. این ارزیابی، نه‌تنها برای سنجش پیشرفت، بلکه برای شناسایی نیازها، نقاط قوت و مسیرهای رشد هر دانش‌آموز انجام می‌شود.

ارزیابی رشد اجتماعی-هیجانی در کلاس زبان، می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود. مشاهده‌ی مستقیم رفتار دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی، بازخورد همتایان، ارزیابی خود دانش‌آموز، و بازاندیشی‌های نوشتاری،

همگی ابزارهای ارزشمندی برای سنجش رشد اجتماعی-هیجانی هستند. معلم می‌تواند با استفاده از این ابزارها، تصویری جامع از رشد جامع هر دانش‌آموز ترسیم کند و بر اساس آن، برنامه‌ریزی‌های فردی و گروهی انجام دهد.

از مهم‌ترین اصول ارزیابی رشد اجتماعی-هیجانی، پرهیز از قضاوت و برچسب‌زنی است. هدف ارزیابی، اصلاح رفتار یا طبقه‌بندی دانش‌آموزان نیست، بلکه درک فرایند رشد و شناسایی راه‌های حمایتی است. معلم باید با حساسیت و درک عمیق، رشد اجتماعی-هیجانی دانش‌آموزان را دنبال کند و از هر فرصت برای تشویق، حمایت و هدایت بهره ببرد.

چالش‌ها و موانع در پیاده‌سازی یادگیری اجتماعی-هیجانی در کلاس زبان

پیاده‌سازی یادگیری اجتماعی-هیجانی در کلاس زبان انگلیسی، با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است. شناخت این چالش‌ها، گام نخستین برای غلبه بر آن‌ها است.

اول: فشارهای برنامه‌ی درسی و امتحانی. یکی از مهم‌ترین موانع، فشارهای مرتبط با برنامه‌ی درسی و آزمون‌های استاندارد است. در بسیاری از موارد، معلم زبان تحت فشار است تا زمان کلاس را صرف تدریس قواعد دستوری، واژگان و مهارت‌های آزمون‌محور کند. این فشار، فضای لازم برای فعالیت‌های اجتماعی-هیجانی را محدود می‌سازد. غلبه بر این مانع، نیازمند تغییر نگرش در سطح سیاست‌گذاری آموزشی و همچنین خلاقیت معلم در یکپارچه‌سازی ابعاد مختلف یادگیری در چارچوب برنامه‌ی درسی است.

دوم: کمبود آموزش تخصصی معلمان. بسیاری از معلمان زبان، در دوره‌ی تربیت معلم، آموزش کافی در حوزه‌ی یادگیری اجتماعی-هیجانی دریافت نکرده‌اند. آن‌ها ممکن است با مفاهیم و روش‌های پرورش همدلی، خودآگاهی و همکاری آشنا نباشند یا مهارت‌های لازم برای طراحی و اجرای فعالیت‌های مرتبط را نداشته باشند. رفع این خلأ، نیازمند برنامه‌های آموزش ضمن خدمت و توسعه‌ی حرفه‌ای مستمر است.

سوم: تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان. دانش‌آموزان در سطح رشد اجتماعی-هیجانی، سبک‌های یادگیری، پس‌زمینه‌های خانوادگی و تجربیات عاطفی متفاوتی دارند. برخی دانش‌آموزان ممکن است به‌دلیل تجربیات پیشین، در

بیان احساسات یا برقراری ارتباط اجتماعی دشواری داشته باشند. معلم باید با حساسیت و انعطاف، به این تفاوت‌ها توجه کند و فعالیت‌هایی را طراحی کند که برای همه سطوح رشد اجتماعی-هیجانی مناسب باشد.

چهارم: محدودیت‌های فضایی و زمانی. در بسیاری از مدارس، کلاس‌ها پرجمعیت هستند و زمان اختصاص‌یافته به هر درس محدود است. این محدودیت‌ها، طراحی و اجرای فعالیت‌های گروهی و تعاملی را دشوار می‌سازند. با این حال، با برنامه‌ریزی هوشمندانه و استفاده از فعالیت‌های کوتاه و متمرکز، می‌توان حتی در شرایط محدود، ابعاد اجتماعی-هیجانی را در کلاس زبان پرورش داد.

پنجم: نگرش سنتی به آموزش زبان. در بسیاری از فرهنگ‌های آموزشی، زبان هنوز به‌عنوان یک مهارت صرفاً شناختی و فنی دیده می‌شود. این نگرش، توجه به ابعاد عاطفی و اجتماعی یادگیری را محدود می‌کند. تغییر این نگرش، نیازمند آگاهی‌رسانی، آموزش و الگوسازی است.

پیشنهادها و راهکارهای عملی

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، راهکارهای عملی زیر برای پیاده‌سازی مؤثر یادگیری اجتماعی-هیجانی در کلاس زبان انگلیسی پیشنهاد می‌شود:

اول: یکپارچه‌سازی آگاهانه. معلم باید ابعاد اجتماعی-هیجانی را به‌صورت آگاهانه و هدفمند در فعالیت‌های زبانی یکپارچه کند. این یکپارچه‌سازی نباید به شکل اضافی یا مجزا باشد، بلکه باید در بافت طبیعی فعالیت‌های زبانی رخ دهد. برای مثال، در یک فعالیت بحث گروهی، معلم می‌تواند ضمن تمرین مهارت گفتاری، بر گوش دادن فعال، احترام به دیدگاه‌های متفاوت و حل تعارض تأکید کند.

دوم: ایجاد فضای امن عاطفی. معلم باید از نخستین روز کلاس، فضایی امن و حمایتی ایجاد کند. در این فضا، اشتباه کردن بخشی طبیعی از فرایند یادگیری باشد، احساسات دانش‌آموزان جدی گرفته شود و قضاوت و مسخره‌کاری جایی نداشته باشد. این فضا، پیش‌شرط اصلی رشد اجتماعی-هیجانی است.

سوم: استفاده متنوع از روش‌های تدریس. معلم باید از طیف وسیعی از روش‌ها و فعالیت‌ها استفاده کند تا نیازهای مختلف دانش‌آموزان برآورده

شود. ترکیب فعالیت‌های فردی، جفتی و گروهی، استفاده از داستان، نمایش، بازی، رسانه و بازاندیشی، همگی فرصت‌های متفاوتی برای رشد اجتماعی-هیجانی ایجاد می‌کنند.

چهارم: بازاندیشی منظم. معلم باید بازاندیشی را به عادت منظم کلاس تبدیل کند. بازاندیشی می‌تواند در پایان هر جلسه، هفته یا ماه انجام شود. در بازاندیشی، دانش‌آموزان درباره‌ی فرایند یادگیری، احساسات، روابط و رشد خود فکر می‌کنند و این فرایند، خودآگاهی و خودتنظیمی را تقویت می‌کند.

پنجم: مشارکت خانواده. رشد اجتماعی-هیجانی دانش‌آموز، تنها در کلاس درس رخ نمی‌دهد. خانواده، نقش مهمی در پرورش همدلی، خودآگاهی و مهارت‌های اجتماعی دارد. معلم می‌تواند با ارتباط منظم با خانواده‌ها، آن‌ها را از رویکرد کلاس آگاه کند و راهکارهایی برای حمایت از رشد اجتماعی-هیجانی در خانه ارائه دهد.

ششم: توسعه‌ی حرفه‌ای مستمر معلم. معلم باید فرصت‌های یادگیری و رشد حرفه‌ای خود را دنبال کند. شرکت در کارگاه‌ها، مطالعه‌ی منابع تخصصی، تبادل تجربه با همکاران و بازاندیشی بر روی عملکرد خود، همگی به ارتقای توانایی معلم در پرورش یادگیری اجتماعی-هیجانی کمک می‌کنند.

هفتم: توجه به تنوع فرهنگی. کلاس زبان انگلیسی، محیطی است که در آن، دانش‌آموزان با فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف مواجه می‌شوند. معلم باید این تنوع را به فرصتی برای پرورش آگاهی فرهنگی و همدلی تبدیل کند. او باید فضایی ایجاد کند که در آن، همه‌ی فرهنگ‌ها و دیدگاه‌ها با احترام مورد توجه قرار گیرند و دانش‌آموزان یاد بگیرند که تفاوت را نقطه‌ی قوت، نه تهدید، ببینند.

هشتم: الگوسازی عملی. معلم باید در رفتار روزمره خود، الگوی ابعاد مختلف یادگیری اجتماعی-هیجانی باشد. وقتی معلم با صبر و مهربانی با اشتباهات دانش‌آموزان برخورد می‌کند، وقتی با همدلی به احساسات آن‌ها گوش می‌دهد، وقتی با صداقت و احترام اختلافنظرها را مدیریت می‌کند، در واقع قوی‌ترین آموزش اجتماعی-هیجانی را ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

کلاس زبان انگلیسی، فراتر از فضایی برای انتقال قواعد دستوری و واژگان، محیطی چندبُعدی و پویا است که در آن، فرایند یادگیری زبانی با رشد اجتماعی-هیجانی دانش‌آموزان به‌طور طبیعی و عمیق در هم تنیده است. این مقاله نشان داد که ابعاد اصلی یادگیری اجتماعی-هیجانی یعنی همدلی، همکاری و خودآگاهی، همگی در بافت کلاس زبان فرصت‌های منحصربه‌فردی برای پرورش و تقویت دارند.

زبان، ذاتاً پدیده‌ای اجتماعی و عاطفی است. یادگیری زبان دوم، فرایندی است که در آن، فرد نه‌تنها مهارت‌های زبانی، بلکه مهارت‌های درک خود و دیگران، برقراری ارتباط مؤثر، مدیریت هیجانات و زندگی در تنوع را نیز می‌آموزد. کلاس زبان، به‌دلیل ماهیت تعاملی و ارتباطی خود، بستر مناسبی برای این فرایند یکپارچه است.

معلم زبان، در این فرایند، نقشی محوری و چندجانبه ایفا می‌کند. او هم الگوی اجتماعی-هیجانی است، هم تسهیل‌گر یادگیری، هم طراح فعالیت‌های یکپارچه و هم ارزیاب رشد جامع دانش‌آموز. موفقیت در پرورش یادگیری اجتماعی-هیجانی در کلاس زبان، نیازمند آگاهی، مهارت، صبر و تعهد معلم است.

پیاده‌سازی این رویکرد، با چالش‌هایی مانند فشارهای برنامه‌ی درسی، کمبود آموزش تخصصی و نگرش‌های سنتی روبه‌رو است. با این حال، با تغییر نگرش، توسعه‌ی حرفه‌ای مستمر معلم و ایجاد ساختارهای حمایتی در سطح سیستم آموزشی، می‌توان کلاس زبان را به محیطی تبدیل کرد که در آن، رشد زبانی و رشد اجتماعی-هیجانی به‌طور یکپارچه و مکمل با یکدیگر پیش بروند.

در نهایت، هدف نهایی آموزش زبان نباید صرفاً پرورش یک زبان‌دان ماهر باشد، بلکه پرورش انسانی باشد که بتواند با همدلی، خودآگاهی و توانمندی اجتماعی، در جامعه‌ای چندفرهنگی و پیچیده، زندگی کند و مشارکت سازنده داشته باشد. کلاس زبان انگلیسی، با رویکردی جامع و آگاهانه، می‌تواند گام مهمی در این مسیر باشد.

منابع

۱. احمدی، مریم و کریمی، علی (۱۴۰۱). نقش مهارت‌های اجتماعی-هیجانی در یادگیری زبان دوم. فصلنامه‌ی آموزش زبان، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی دوم، ص ۴۵ تا ۶۲.

۲. رستمی، حسین (۱۴۰۰). خودآگاهی و یادگیری زبان: رویکردی روان‌شناختی. تهران: انتشارات سمت.

۳. موسوی، فاطمه (۱۴۰۲). همدلی در آموزش زبان: مبانی نظری و کاربردهای عملی. فصلنامه‌ی زبان‌های خارجی، دوره‌ی بیست‌ویکم، شماره‌ی اول، ص ۱۱۲ تا ۱۳۴.

۴. حسینی، رضا و قاسمی، زهرا (۱۴۰۱). همکاری و یادگیری گروهی در کلاس‌های زبان انگلیسی. پژوهش‌های آموزش زبان، دوره‌ی نهم، شماره‌ی سوم، ص ۷۸ تا ۹۵.

۵. نادری، سمیرا (۱۴۰۰). آموزش زبان و رشد عاطفی-اجتماعی: بازاندیشی در رویکردهای تدریس. تهران: نشر فرهنگ معاصر.

۶. کاظمی، امیرحسین (۱۴۰۲). فیلتر عاطفی و اضطراب در یادگیری زبان انگلیسی. مجله‌ی روان‌زبان‌شناسی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی دوم، ص ۲۰۱ تا ۲۱۹.

۷. توکلی، مریم (۱۴۰۱). بازی‌وارسازی و پرورش مهارت‌های اجتماعی در کلاس زبان. فصلنامه‌ی فناوری آموزشی، دوره‌ی بیستم، شماره‌ی چهارم، ص ۵۵ تا ۷۳.

۸. شریفی، علی (۱۴۰۰). داستان‌خوانی و پرورش همدلی در آموزش زبان برای نوجوانان. پژوهش‌های تربیتی، دوره‌ی سی‌وپنجم، شماره‌ی اول، ص ۱۴۵ تا ۱۶۳.

۹. محمدی، نگار و رضایی، حسین (۱۴۰۲). ارزشیابی تکوینی در آموزش زبان: فراتر از سنجش شناختی. آموزش زبان، دوره‌ی بیست‌وسوم، شماره‌ی دوم، ص ۸۹ تا ۱۰۷.

۱۰. جعفری، بهرام (۱۴۰۱). رویکرد ارتباطی و رشد اجتماعی-هیجانی در کلاس زبان. فصلنامه‌ی زبان انگلیسی، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی اول، ص ۲۳ تا ۴۱.

۱۱. رحیمی، سحر (۱۴۰۰). نقش معلم در پرورش خودآگاهی و خودتنظیمی در کلاس زبان. توسعه‌ی یادگیری، دوره‌ی بیست‌وچهارم، شماره‌ی سوم، ص ۱۷۸ تا ۱۹۶.

۱۲. صادقی، محمدرضا (۱۴۰۲). تنوع فرهنگی و آگاهی اجتماعی در آموزش زبان انگلیسی. مطالعات بین‌فرهنگی در زبان، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی اول، ص ۶۷ تا ۸۴.

۱۳. یوسفی، الهام (۱۴۰۱). نمایش و تئاتر در کلاس زبان: ابزاری برای رشد عاطفی-اجتماعی. هنر و آموزش، دوره‌ی نهم، شماره‌ی دوم، ص ۱۱۰ تا ۱۲۸.

۱۴. کریمی، نسترن و احمدی، بابک (۱۴۰۰). بازاندیشی و یادگیری خودتنظیم در آموزش زبان. پژوهش‌های روان‌شناسی آموزشی، دوره‌ی بیست‌ویکم، شماره‌ی چهارم، ص ۲۳۴ تا ۲۵۱.

۱۵. حسینی‌نژاد، فرهاد (۱۴۰۲). یکپارچه‌سازی یادگیری اجتماعی-هیجانی در برنامه‌ی درسی زبان انگلیسی: چالش‌ها و چشم‌اندازها. سیاست‌گذاری آموزشی، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی اول، ص ۳۴ تا ۵۲.